مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی، شماره ۹ ، پاییز ۱۳۹۶جلد۲، ص ۱۵۳-۱۴۰
http://www.jmss.ir

سیاست جنایی اسلام در بزه پوشی جرایم جنسی و تاثیر آن درجامعه

مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۹ / پاییز ۱۳۹۶ / ص ۱۵۳-۱۴۰

عادل ساریخانی[۱] ، مصطفی کرمی پور[۲]
[۱]دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

[۲]دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه
نویسنده مسئول:

عادل ساریخانی

چکیده

شیوع و آشکار نمودن جرایم جنسی در جامعه اسلامی موجب جریحه دار شدن احساسات مذهبی مردم می گردد از این رو در آموزه های اسلامی بر پوشاندن و پنهان داشتن آن تاکید شده است که این امر در اصطلاح جرم شناسی به بزه پوشی تعبیر می شود و مشروعیت آن از آیات قرآنی، روایات اسلامی و قاعده درء استفاده می شود این رویکرد در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری نیز منعکس گردیده است، که از یک سو بیانگر پذیرش سیاست کیفر زدایی و از سوی دیگر نشان دهنده توجه اسلام به ارزش های اخلاقی و مصالح اجتماعی است. بزه پوشی ممکن است از سوی مرتکب جرم از طریق توبه انجام شود و یا از سوی محاکم قضایی و افراد دیگر جامعه باشد و تنها در جرائم حق اللهی جایز است که خود مجرم نیز سعی در اختفاء آن داشته باشد و در جرایم علنی و مضر به حقوق خصوصی اشخاص جایز نیست.

واژگان کلیدی: بزه پوشی، کیفر زدایی، جرایم جنسی، جرایم علنی، ادله اثبات.

مقدمه

بزه پوشی یکی از ویژگی های بارز سیاست جنایی[۱] اسلام است که در فقه اسلامی از آن به عنوان تستّر یاد می شود؛ به معنای پوشاندن و پنهان داشتن گناه می باشد(خاوری،۱۳۸۹، ۱۱۳).در بسیاری از روایات اسلامی، سفارش به پوشاندن گناه و خطای مجرمین به ویژه در جرائم جنسی مستوجب حق الهی شده است؛ به این صورت که مجرمین خطاهای جنسی خود را آشکار نکنند و به درگاه خداوند متعال توبه نمایندکه چه بسا توبه خالصانه ی[۲] یک فرد بهتر از اجرای حد موجب تطهیر و پاکی وی می گردد. از طرفی حاکم شرع و قضات نیز ازتحقیق و تفحص در امور پنهانی و گناهان جنسی مردم منع شده اند؛ محدود کردن ادله اثبات جرم و سخت گیری در آن نیز حاکی از آن می باشد. این نظریه مستند به روایات متعددی است که از جمله آن پیامبر اکرم(ص) می فرماید:« ادرئوالحدود بالشبهات؛ حدود را به مجرد حدوث شبهه دفع کنید»(حرعاملی،۱۴۰۱، ۱۸، ۳۳۶). زیرا در سیاست جنایی اسلام عکس العمل کیفری تنها طریق مبارزه با تبهکاری تلقی نشده حتی راهی مناسب، و کارآمد نیزشناخته نگردد و از این رو صورتهای مختلف و گسترده ایی در گریز از اجرای واکنشهای جزایی پش بینی و درجهت دفع کیفر تلاش شده است. این تمایل در مراحل مختلف دادرسی و قبل از آن نیزمتجلی است به طوری که گاه انحراف جریان رسیدگی های جزایی ازمسیر رسمی آن و عدم طرح پرونده در محکمه مورد تأکید و توصیه قرار می گیرد(صادقی،۱۳۷۸، ۱۶۲). از آنجایی که در اسلام برخی از جرائم و گناهان هستند که با ارتکاب آن فقط رابطه بین انسان و خدا خدشه دار می شود و جامعه و مردم متضرر نمی شود مثل زنای با تراضی طرفین و شرب خمر، لزوماً کیفر و مجازات نیز راهکاری مناسب برای اصلاح اینگونه مجرمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم نمی باشد بلکه باید از اقدامات غیر کیفری مانند هدایت مجرم به سوی توبه و پوشاندن جرم وگناه خود استفاده گردد، چه بسا ممکن است اجرای حد در جرائم جنسی نتیجه عکس به همراه خود داشته باشد، موجب آشکار شدن جرم و شناخته شدن مجرم در محل گردد ومنجر به رسوایی و بی آبرویی وی گردد و شخص بزه دیده را در معرض تعرض افراد فاسق و هوس باز قرار دهد. درنتیجه اقدامات کیفری برخوردی مناسب برای جرائم جنسی نمی باشد و مقنن باید از شیوه ها و راهکارهای مناسب غیرکیفری برای جلوگیری از وقوع جرائم جنسی در پیش بگیرد. ضمن اینکه قبح ذاتی جرائم جنسی نیز در باور و اعتقاد مردم محفوظ بماند.

۱. سختگیری در اثبات قضایی جرائم جنسی

با اینکه شارع مقدس نسبت به جرائم جنسی حساسیت ویژه ای نشان داده است و در آیات قرآنی عقوبت سنگینی را وعده داده [۳] و آن را در کنار شرک، قتل[۴]و سرقت[۵]قرار داده است(قرائتی،۱۳۸۷، ۷، ۵۲). حتی از نزدیک شدن به آن نهی کرده است[۶]. اما شارع مقدس در طریق اثبات این جرائم به گونه ای سختگیرانه برخورد کرده است که اثبات آن تا حدودی غیر ممکن است و ادله اثبات کیفری شناخته شده در آیین دادرسی کیفری اسلام نیز در بعضی موارد مشروط و مقید شده است که اثبات جرم با آن ادله بعیدالوقع و نادر است به طورمشخص قیود و شرایط اعتبار شده در ادله اثبات جرائم جنسی به قدری زیاد و سخت است که اثبات اینگونه جرائم با آن ادله را باید جزء اتفاقات نادر دانست. شرایط مربوط به عدد، محتوا و کیفیت «اقرار» و « شهادت» آن چنان سخت گیرانه است که به راحتی می توان

---

[۱]- سیاست جنایی از نظر استاد می ری دلماس مارتی:« شامل مجموعه روش هایی می شود که هیات اجتماع با توسل به آنها پاسخ هایی به پدیده مجرمانه را سازمان می بخشد».(دلماس، ۱۳۸۱، ج۱، ص۲۴).

[۲]- «یا أیُّها الَّذینَ آمنوا توبوا إلی الله توبةً نصوحاً....» سوره تحریم، آیه ۸

[۳](والزانیه والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده و لاتاخذکم بهما رأفه فی دین الله). سوره نور، آیه ۲(در این آیه نهی از رأفت شده که از قبیل نهی از مسبب است به نهی از سبب، چون رقت کردن به حال کسی که مستحق عذاب است باعث میشود که در عذاب کردن او تساهل شود، و در نتیجه نسبت به او تخفیف دهند و یا به طور کلی اجرای حدود را تعطیل کنند(طباطبایی، ۱۳۶۳، ج۲۹، ص۱۱۹).

[۴](الذین لا یدعون مع الله الهاً آخر و لا یقتلون النفس التی حرّم الله الا بالحق و لا یزنون). فرقان، آیه ۶۸

[۵](اذا جاءک المومنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله و لا یسرقن و لا یزنین). ممتحنه، آیه ۱۲

[۶](ولاتَقرَبُوا الّزنی اِنَّهُ کانَ فاحِشَةً و ساءَ سَبیلاً).سوره اسراء، آیه ۳۲.

گفت شارع مقدس علاقه ای به تحقق مجازات در این گونه جرائم نداشته و بیشتر به مستور ماندن خطایای شهروندان گرایش داشته است(حسینی،۱۳۸۳، ۱۶۳).

۲. مصادیق یا موارد سختگیری در جرائم جنسی

شارع مقدس اسلام تمایلی به اثبات جرائم جنسی نداشته و بیشتر به مستور ماندن آن تاکید داشته است و قانون مجازات اسلامی با الهام گرفته از آموزه های فقه شیعه سختگیری های متعددی در اثبات جرائم جنسی داشته که در ذیل به چند نمونه از مصادیق آن اشاره می شود.

۲-۱. تعداد شهود

یکی از موارد سختگیری در جرائم جنسی، مربوط به تعداد شهود می باشد به نص قرآن مجید با گواهی چهار مرد عادل، زنا ثابت می شود[1](ر.ک تبریزی،۱۴۱۷، ۸۲ ؛ مکارم شیرازی،۱۴۱۸، ۱۹۵ ؛حسینی روحانی،۱۴۱۲، ۲۶، ۳۹۴ ؛حلی،۱۴۰۵، ۵۴۷؛ منتظری، بی تا، ۴۸ ؛ خویی ، ۱۴۲۲، ۲، ۲۱۸). با اینکه در قتل با دو شاهد ثابت می شود.

ماده ۱۹۹ ق.م.ا مقرر می دارد: « نصاب شهادت درکلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیذ و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد....»

و ذیل ماده ۲۰۰ ق.م.ا. مقرر می دارد:«..... در صورتی که شهود به عدد لاز م نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می شود و موجب حد است». به خاطر افترا که همان دروغ بزرگ است چرا که خدای متعال کسی را که نسبت زنا به مسلمانی بدهد و در عین حال شهود لازم را نیاورند دروغگو خوانده است(جبعی عاملی، ۱۳۸۰، ۱، ۵۰۶). به دلیل اهتمامی که نظام کیفری اسلام برای آبرو و حیثیت افراد عفیف و پاکدامن قائل است تهمت های ناروا به آنان را مستوجب حد قذف می داند؛ چه قذف در واقع بذر شک و بدبینی را در میان خانواده ها می پاشد و اساس خانواده ها را تهدید می کند و موجب پرده دری و از بین رفتن عفاف و پاکدامنی می شود(قیاسی و دیگران،۱۳۹۱، ۱، ۳۰۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ۶، ۱۱و۱۲).

و سخت گیری مربوط به تعداد گواهان در اثبات حد لواط تشدید می شود و لواط تنها با شهادت چهار مرد که آمیزش جنسی را آشکارا دیده باشند اثبات می شوند در این باره حتی شهادت سه مرد و دو زن کافی نیست(نوربها، ۱۳۸۹، ۱۴۵).

۲-۲ . دفعات اقرار

دومین مورد سختگیری در اثبات جرایم جنسی مربوط به دفعات اقرار می باشد. ماده ۱۷۲ ق.م.ا در این زمینه مقرر می دارد:« در کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف. چهار بار در زنا، لواط، تفخیذ، و مساحقه.

تبصره ۲: در مواردی که تعدد اقرار شرط است اقرار می تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.

بنابر فتوای برخی از فقها تعدد مجالس در اقرار شرط نمی باشد و اقرار می تواند در یک یا چند جلسه انجام شود به خاطر اینکه، اصل عدم اشتراط تعدد مجالس می باشد(حلّی ، ۱۴۰۵، ۴۷۳ ؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴، ۱۰، ۴۱۶) و« عموم اقرار العقلا علی انفسهم جائز» نیز بر آن

[1](واللّاتی یاتینَ الفاحِشَةَ مِن نِسائکُم فاستَشهدُوا عَلَیهِنَّ اَربَعَةً مِنکُم فَاِن شَهِدُوا فَاَمسکُوهُنَّ فی البُیُوت حتی یَتَوَفّاهُنَّ المَوتُ أو یَجعَلَ اللهُ لَهُنَّ سَبیلا).سوره نساء، آیه ۱۵.

دلالت می کند(نوری، ۱۴۰۸، ۸، ۲۴۸) البته برخی از فقهاء تعدد مجالس در اقرار را شرط می دانند و معتقدند که زانی باید در چهار جلسه جداگانه اقرار به زنا بکند(طوسی، ۴۰۷، ۶، ۳۳۶ و نجفی، ۱۳۶۵، ۴۱، ۲۸۳). این در حالی است که در جرائم حق الناس اقرار یک مرتبه کافی است و در جرائم محاربه که با امنیت جامعه اسلامی ارتباط دارد یکبار اقراربرای اثبات جرم کافی است.

۲-۳. مشاهده عینی و حضوری عمل زنا و لواط

سومین مورد سخت گیری در اثبات جرائم جنسی این است که شاهدان باید به صورت حضوری عمل زنا را مشاهده کرده باشند مانند میل در سرمه دان(موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۳، ۱۹۰؛حلی،۱۴۰۵، ۳۰۸ ؛خمینی، ۱۴۲۵، ۴، ۱۸۳؛ اصفهانی(مجلسی دوم)، ۱۴۰۳، ۳۸، ۱۹؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ۶، ۲۵۲).

ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می دارد: « در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می شود دیده باشد و هر گاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می شود و موجب حد است».

بنابراین تنها با استناد به این که مرتکبان زنا یا لواط یا مساحقه در مکانی خلوت یا اتاقی در بسته و یا حتی زیر یک پوشش بوده اند، زنا اثبات نمی شود(نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۴۴). طرفه این که بنابر رأیی که برابر موازین در ست به نظر می رسد، نگاه کردن به زنابرای تحمل شهادت و سپس گواهی دادن جایز نیست(طباطبایی حکیم، بی تا، ۱۴، ۳۵و۳۶). پس از یک سو جایز نیست عملیات زنا را مشاهده کرد و از سوی دیگر برای ادای گواهی، لازم است که زنا دقیقاً مشاهده شده باشد. این به معنای آن است که تنها در فرضی که کسی بر حسب اتفاق، ارتکاب زنا را دیده باشد، می تواند بر وقوع آن گواهی دهد (نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۴۴).

افزون بر اینها، دیگر موارد سخت گیری این است که شهادت بر شهادت در حقوق الناس قابل قبول است؛ اما در حدود که حق الله است پذیرفته نیست[۱] (آشوری، ۱۳۸۵، ۱، ۱۶۸).و امکان رسیدگی غیابی در حق الناس و عدم تجویز آن در حق الله(همان). و شهود باید بر یک فعل در زمان واحد و مکان واحد اتفاق نظر داشته باشند[۲](جبعی عاملی، ۱۳۸۰، ۳، ۳۵۲). وهمچنین شرط است که شهود هنگام اقامه شهادت جمع باشند و یکباره شهادت دهند و اگر برخی از شهود در حالی که سایر شهود هنوز نیامده اند، به زنا شهادت دهند، بر آنان حد جاری می شود و منتظر سایر شهود نمی مانند تا بیایند و نصاب را کامل کنند(همان).

۳. تحقیق و تفحص در جرائم جنسی

اسلام به جرائم جنسی حساسیت ویژه ای نشان داده است و هر گونه تحقیق و تفحص در امور پنهانی و جرائم منافی عفت را ممنوع می کند. به طور کلی تجسس کردن عیوب پنهانی مردم در قرآن کریم مورد نهی واقع شده است[۳] . صاحب معراج السعاده یکی از اخلاق ذمیمه را عیب جویی مردم کردن و در صدد عیوب دیگران بودن می داند و این از علامت خباثت نفس و عیبناک بودن صاحب آنست(نراقی، ۱۳۷۵، ۴۱۵).امیر المومنان (ع) در خطاب به مالک اشتر می فرماید: باید که دورترین افراد رعیّت از تو، و دشمنترین آنان در نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است. زیرا در مردم عیب هایی است و والی از هرکس دیگر به پوشیدن آن سزاوار تر است. پس عیوب پنهانی مردم را مخواه که آشکار شود، زیرا وظیفه تو پاکیزه ساختن عیوبی است که بر تو آشکار است. و خدا بر آنچه که از

[۱] ماده ۱۸۹قانون مجازات اسلامی:« جرائم موجب حد و تعزیربا شهادت بر شهادت اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است».

[۲] ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی: درشهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع رامخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی شود.

[۳] لا تجسسوا فی امور المسلمین(حجرات ، آیه۱۲)

نظرت پوشیده است حکم کند، پس تا توانی عیب های دیگران را بپوشان، تا خدا نیز عیب های تو را که دوست داری ازرعیت پوشیده بماند بپوشاند.(نهج البلاغه ، نامه ۵۳).و نیز از حضرت علی(ع) روایت شده که فرموده « اگر مومنی را بیابم و بر کار بد و گناهی مشغول به آن است همانا می پوشانم او را به لباس خود یا لباس او»(نوری، ۱۴۰۸، ۸، ۴۲۷ ؛ تمیمی، بی تا، ۲، ۴۴۶).

مقصود آن است که شخص دارای ایمان اگر گناهی در خلوت و پنهانی انجام می دهد و کسی او را در آن حال ببیند نباید عمل او را فاش و بر ملا سازد و برکسی دیگر خبر کند بلکه باید پرده پوشی نماید، زیرا این خود گناه بزرگی است و در قرآن کریم از آن نهی شده و وعده عذاب به کسانی که مرتکب این معصیت کبیره شوند، داده شده است[1](آشتیانی، ۱۳۸۷، ۷۴۶). ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی با الهام گرفته از آموزه های فقهی هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان ومستور از انظار ممنوع می داند و چنین مقرر می دارد: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است».

حتی اگر زنی که بدون شوهر است حامله شود، حد زنا بر او جاری نمی شود و مجرد بچه دار شدن دلیل بر ارتکاب زنا نیست بلکه ما حق نداریم زن را مورد پرسش قرار دهیم و از حال او تفحص کنیم که آیا مرتکب زنا شده است یا نه؟ زیرا اصل، بلکه اصول(مثل اصل برائت،استصحاب و احتیاط در نفوس و اعراض) به نفع او جاری می شود پس اینکه شیخ طوسی در مبسوط گفته که لازم است از زن تحقیق و بازجویی به عمل آید فاقد دلیل است (محقق داماد،۱۳۸۹، ۶۰).
همچنین قضیه خلیفه دوم در این زمینه مشهور است، نقل شده است روزی خلیفه دوم از خانه ای می گذشت؛ متوجه عده ای شدند؛ که در آن بساط گناه برپا کرده اند و مشغول شرب هستند.خلیفه خواست بر آنها حد جاری کند. یکی گفت اگر ما یک معصیت کرده ایم خلیفه سه معصیت کرده است، خلیفه پرسید آن سه معصیت چیست؟گفت اولاً خداوند متعال فرموده : «ولا تجسسوا »(حجرات، آیه ۱۲) ولی شما تجسس کردید. ثانیاً خداوند فرموده:« واتوالبیوت من ابوابها» (بقره ۱۸۹)ولی شما از راه بام آمدید. ثالثاً خداوند فرموده: «لا تدخلو بیوتاً حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها» (نورآیه ۲۷) ولی شما بدون اجازه و سلام وارد شدید. خلیفه با شنیدن این سخنان برگشت و کسی را مجازات نکرد و شرط کرد که از آن توبه کند(محمدالشریف،۱۴۰۵، ۳۴۹). اینها دلالت بر این دارد که اسلام تحقیق در امور پنهانی و سرک کشیدن به حریم خصوصی افراد را ممنوع کرده به ویژه در جرایم جنسی که با آبرو و شرافت انسان ارتباط تنگاتنگی دارد و بردن آبروی انسان را به منزله ریختن خون او تلقی کرده است. زیرا اگر انسان اصرار بر کشف باطن افراد داشته باشد فرد خالص و مخلصی را نخواهد یافت و کاملان و بی عیب ها تنها معصومان و اولیای خدا هستند. در حدیثی جالب که مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار آورده است. از امیر المومنان(ع) می خوانیم:« قدر و منزلت خود را با«تغافل» درباره امور پست و کوچک بالا برید و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است تجسس نکنید که عیب جویان شما زیاد می شود و با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید».(مجلسی،۱۴۰۳،۷۵، ۶۴). به خاطر اینکه تحقیق در امور پنهانی مردم امری ناروا شمرده می شود و گناهی که پنهانی انجام شود تنها به گناهکار ضرر می زند و در قانون اساسی تفتیش در عقاید را که یک امر پنهان است ممنوع می دارد و در آیات قرآن از تجسس در امور مردم نهی شده و سفارش به عیب جویی نمی شود. چه بسا تفتیش و تحقیقات نا بجائی که باعث از هم پاشیده شدن کانون خانواده ها گردیده و افراد را به دامان تباهی انداخته است. حرمت جامعه اسلامی ایجاب می کند اتهام متهم شایع نگردد چرا که شیوع اتهام بیش از اصل اتهام مفسده آور است(زراعت،۱۳۷۸،۱، ۱۶۳).

رسول اکرم(ص) می فرماید: هر کس زشتکاری مومنی را بپوشاند چنان است که دختر زنده به گوری را نجات دهد(متقی هندی،۱۴۱۳، ۶۳۸).

[1] «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنو...».(سوره نور آیا ۱۹)

در روایتی دیگری از حضرت علی (ع) بیان شده که می فرماید تا می توانی عیوب مردم را بپوشان تا خدا عیوبت رابپوشاند (آمدی،۱۴۰۷، ۱۰، ۱۹۵). اگر زنی هم ادعای اکراه بر زنا کند حد از او ساقط می شود بدون اینکه تحقیقی از او به عمل آید؛ در روایتی از امام محمد باقر(ع) وارد شده است که زنی را همرا ه با مردی که با او به طور نامشروع آمیزش نموده بود نزد حضرت علی(ع) آوردند. زن عرضه داشت: یا امیرالمومنین! این مرد مرا به زور وادار به این کار کرد و من از خود اختیاری نداشتم؛ حضرت علی(ع) در پی این ادعا حد را از او برداشت و وی را تبرئه نمود(حرعاملی،۱۸،۱۴۰۱، ۳۸۲). البته نقل شده است که خلیفه دوم در مواردی حتی با تهدید و ارعاب در صدد تحقیق از متهمان به زنا بر می آمده است(جوزی،۱۹۸۵، ۶۸).

ماده ۲۱۸ق.م.ا. مقرر می دارد:« در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤلیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و یا اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شنکجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود» زیرا حدود الهی مبتنی بر تسامح و تخفیف می باشد و با کوچکترین شبهه حد ساقط می شود[1]. به طور کلی سیره عملی پیامبر اسلام(ص)، پیشوایان دین و حتی خلفا، پرهیز از تحقیق و تفحص برای کشف جرائم منافی عفت بوده است[2](نوبهار،۱۳۸۹، ۱۴۹). اصل منع تجسس یکی از اصول مسلم اسلام می باشد و از طرفی، حریم زندگی شخصی مردم محترم است و جستجو و تحقیق در زندگی آنان امری زشت و ناپسند است. برای کشف و تعقیب در مورد یک جرم انتسابی به متهم، هیچ گاه نمی توان بدون دلیل به تفتیش زندگی شخصی او پرداخت و از جزئیات پنهان او اطلاع حاصل کرد(محقق داماد، ۱۳۸۹، ۸). هیچ کس تردید ندارد که شرع اسلامی در مورد گناهان مرتبط با مسائل عفتی و ناموسی، نظر بر اختفا و پرده پوشی داشته است؛ حتی مرتکبینی که به خیال تخفیف عذاب الهی مبادرت به اقرار می کردند مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته، وبر عدم اعتراف و به جای آن، رو به سوی توبه و استغفار کردن توصیه می شدند. حال آنکه در تاریخ جامعه اسلامی مکرر دیده ایم که صاحبان قدرت و شیخ الاسلام های محلی، گاه برای تثبیت موقعیت خود به عنوان متولی شریعت، به تجسّس در زندگی خصوصی مردم پرداخته، با طرق شرم آوری که قطعاً فاقد وجاهت شرعی است به اثبات اتهامات ناموسی پرداخته و از این رهگذر خود را مجری حدود الهی معرفی نموده اند(همان)

۴. تحقیق و تفحص در جرائم جنسی مستوجب حق الناس

ماهئیت برخی از جرائم جنسی مانند زنای مرد با زن بی همسر از روی تراضی و آگاهی طرفین[3] تنها دارای جنبه حق الهی است اما ماهئیت برخی از موارد جرائم جنسی علاوه بر جنبه حق الهی، دارای جنبه حق الناسی نیز می باشد مانند زنا یا لواط به عنف و اکراه و یا همراه با فریب، خدعه و اغفال[4].

آیا رویکرد شارع مقدس اسلام از بزه پوشی جرائم جنسی و نهی از تحقیق و تفحص تنها محدود به جرائم جنسی حق الهی است یا شامل جرائم جنسی که جنبه حق الناسی هم دارد، می شود؟

با ملاحظه اینکه شارع مقدس به حقوق بزه دیده توجه اساسی داشته و جبران و ترمیم خسارت وارده بر او را مد نظر قرار داده و به رغم تاکید آموزه های دینی بر تستّر و پرده پوشی زنا، لواط، و مساحقه، چنان چه پای حق دیگری و شکایت خصوصی در میان باشد، نه تنها برای اثبات این جرائم چشم پوشی نمی شود، بلکه حاکم موظف است به طور مشروع و منطقی برای کشف حقیقت، تا آن جا که به احقاق

---

[1] الحدود تدرأ بالشبهات(حرعاملی، ۱۴۰۱، ج۱۸، ص۳۳۶).

[2] جرم منافی عفت اعم از انکه مستوجب حد باشد یا تعزیر در هردو تحقیق جایز نیست

[3] جرائم جنسی همرا با رضایت طرفین در اصطلاح به جرائم بدون بزه دیده شهرت یافته است(رهامی، ۱۳۸۷، ص۴۷).

[4] مثل موردی که کسی به زنی وانمود کند که منظور وی از رابطه جنسی انجام یک معاینه پزشکی است یا مردی خود را شوهر زنی وانمود کند و با او رابطه جنسی برقرار کند(میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸، ص ۵۰۱)

حق شاکی بر می گردد، تلاش کند. این به معنای آن است که شارع، نقش موثر بزه دیده در دعوای کیفری را به رسمیت می شناسد(نوبهار،۱۳۸۹،۱۷۳).

در نظام کیفری اسلام، در مورد جرائمی که جنبه الهی آن غلبه دارد نه تنها بر اثبات جرم تاکید نمی شود، بلکه بر عکس، سعی می شود جرم اثبات نگردد و افراد فرصت کافی برای توبه و اصلاح خویش داشته باشند[1]؛ به همین دلیل، اثبات آن بسیار مشکل است. اما جرایمی که جنبه حقوق خصوصی در آن غلبه داشته یا جرم واحد جنبه عمومی باشد، مانند محاربه راه اثبات آن آسان است و با دقت و قاطعیت سعی می شود حقوق شهروندان احقاق شود و در دفاع از امنیت عمومی دغدغه فراوانی وجود دارد. بر همین اساس، در مورد محاربه- با آنکه از جرائم حدی است- به لحاظ ارتباط آن با امنیت جامعه اسلامی، با یک اقرار جرم ثابت می شود و برخلاف سایر جرائم، مجرم تنها تا پیش از دستگیری فرصت توبه دارد[2](قیاسی و دیگران،۱۳۹۱، ۱، ۳۴۰). راز این تفاوت در این است که در جرائمی که جنبه الهی آن غلبه دارد ارفاق نسبت به متهم و دادن فرصت کافی برای اصلاح و توبه، به عنوان تفضّل و امتنان، مطرح است؛ اما در جرائمی که جنبه خصوصی آن غلبه دارد ارفاق و امتنان نسبت به مجرم، مخالف حقوق دیگران و خلاف امتنان است. البته در این موارد نیز عفو و مصالحه همواره مورد تاکید می باشد؛ تا حتی الامکان مجازات به اجرا در نیاید(همان، ۳۴۱).

تبصره یک ماده ۲۱۸ق.م.ا. مقرر می دارد:« در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررس و تحقیق است».

ذیل ماده ۲۴۱ ق.م.ا. مقرر می دارد« در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است». به خاطر این که در مواردی که جنبه خصوصی جرم غلبه داشته باشد سختگیری بیشتری شده است و از طرفی اثبات آن آسانتر گردیده است زیرا ارفاق دادن به متهم، مخالف حقوق بزه دیده محسوب می شود و خلاف امتنان و تفضّل می باشد. هرچند اسلام با هدف بزه پوشی تمایل به عدم اثبات جرم زنا دارد ولی هرگاه در این جرم، بزه دیده مستقیم وجود داشته باشد، به عبارتی جنبه خصوصی جرم غلبه داشته باشد مصلحت بزرگتر ایجاب میکند که این سخت گیری در اثبات تعدیل گردد(توجهی و هادی پور، ۱۳۹۰، ۱۰۱).

زیرا در این موارد حقوق شاکی خصوصی در میان است و مخفی داشتن جرائم و تمایل به ترک تعقیب و تحقیق در حقوق الناس موجب اضرار به غیر و یا فوت حق دیگری بوده و این خود ستمی بر بزه دیده است و هیچ یک از فقهاء بزه پوشی را در صورتی که اضرار به حقوق دیگران باشد جایز ندانسته و نصب قاضی و والی در بلاد اسلامی از سوی پیامبر(ص) و امام علی(ع) در جهت رفع ستم از مظلوم و مقابله با متجاوزین و جلوگیری از تضییع حقوق مردم بوده است. اگر سخت گیری در اثبات قضایی جرم و سقوط کامل کیفر باتوبه، چنان عام باشد که موارد ارتکاب اعمال منافی عفت از روی عنف را هم شامل شود بزه دیده نمی تواند جرم را ثابت کند و جبران زیان های وارد آمده را مطالبه نماید(نوبهار،۱۳۸۹، ۱۷۲). البته هرگاه شاکی خصوصی در میان نباشد با توجه به تاکید آموزه های دینی بر استتار و پوشیدن این گونه جرائم، دادگاه نباید بر اثبات جرم و به کیفر رسانیدن بزه کار اصرار ورد، به ویژه در جایی که زیان دیده از جرم، برای حفظ حیثیت خود، خواهان اثبات آن نباشد؛تبصره ۱ماده ۱۰۲ نیز براین امر دلالت دارد و مقرر می دارد:« در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدوا قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می کند»

---

[1] برخی ازمرتکبین جرایم حدی خدمت حضرت علی (ع) می رسیدند و با اقرار خویش اجرای حد را در خواست می کردند تا کفاره گناهانشان محسوب گردد، امام با ناراحتی می فرمود: چرا این افراد بین خود و خدا توبه نمی کنند تا هم گناهشان آمرزیده شودو هم آبرویشان حفظ گردد؟(حرعاملی، ۱۴۰۱، ج۱۸،ص۳۲۷-۳۲۸).

[2] مائده، آیه ۳۳ و تبصره یک ماده ۱۱۴:« توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است».

۵. بزه پوشی در جرائم علنی

منظور از جرم علنی این است که شخصی در مرئی و منظر مردم، مرتکب عمل مجرمانه گردد و آشکارا مبادرت به ارتکاب محرمات گردد و از هتک حیثیت خود و دیگران هیچ باکی نداشته باشد.

حال آیا بزه پوشی در جرائم علنی و آشکار نیز مطلوب است و یا مطلوبیت آن تنها در جرائمی است که به صورت مخفیانه انجام شده و یا مرتکب پس از ارتکاب جرم سعی در مخفی نگه داشتن عمل مجرمانه بنماید؟

با توجه به احادیث و روایات اسلامی، بزه پوشی تنها در جرائمی سفارش شده که مخفیانه انجام شود یا اینکه مرتکب پس از ارتکاب جرم سعی در مخفی نگه داشتن عمل مجرمانه بنماید. رفتار های مجرمانه که بطور علنی صورت گرفته و یا پس از ارتکاب شایع و منتشر شده باشند نمی توانند مورد نهان سازی واقع شود چرا که از جمله اهداف پوشیده داشتن زشتیها، جلوگیری از شیوع و انتشار آنهاست پس اگر وقوع جرمی شهرت یافته و مردم بدان آگاهی یابند ترک تعقیب آن توصیه نشده است. زیرا بزه پوشی در صورت اشاعه جرم فاقد سودمندی، منفعت و فایده است(طوسی، ۱۴۰۷،۶، ۱۷۷). شیخ طوسی در این زمینه می فرماید « اذا کان مشتهراً ظاهرا فلا فائده فی ترک اقامته علیه؛ یعنی هر جرمی به طور علنی مطرح شود فایده ای در ترک اقامه حد بر او وجود ندارد».(همان، ۱۸) بنابراین بزه پوشی درباره کسانی توصیه شده است که خود نیز بر اخفای جرائم و حفظ موقعیت انسانی و حیثیت خویش تاکید داشته باشند(صادقی، ۱۳۷۸، ۱۷۵). زیرا جرمی که آشکارا انجام شود یا پس از ارتکاب پنهانی آشکار شود واکنش متناسب و معقول دستگاه کیفری را می طلبد که در صورت عدم برخورد، بازتاب منفی در ذهن مردم نسبت به دستگاه کیفری ایجاد می شود و موجب تشویق و تجری افراد فاسد و تبهکار به ارتکاب جرائم می شودند، و حتی فسق علنی حرمت و غیبت ندارد(بحرانی،۱۴۱۵، ۱۶۶ ؛توحیدی، ۱۴۱۷، ۱، ۳۳۷). از هارون بن جهم از حضرت امام صادق(ع) روایت شده که فرموده: «هرگاه گنهکار گناهش را علنی و آشکارا انجام دهد احترامی برای او نباشد و غیبتش در گناه علنی وآشکار وی حرام نمی باشد»مجلسی،۱۴۰۳، ۳۸، ۱۲۷۷).

برای پاک سازی و سالم سازی جامعه همانگونه که جرم و گناه آشکار شده مجازات نیز باید آشکارا اجرا گردد. زیرا مادام که گناه آشکار نگردیده و به دادگاه اسلامی کشیده نشده است(خداوند ستار العیوب) راضی به پرده دری نیست اما بعد از ثبوت جرم و بیرون افتادن راز از پرده استتار، وآلوده شدن جامعه و کم شدن اهمیت گناه، باید به گونه ای صورت گیردکه اثرات منفی گناه خنثی شود و عظمت گناه به حال نخستین باز گردد. اصولاً در یک جامعه سالم باید(تخلف از قانون) با اهمیت تلقی شود، مسلماً اگر تخلف تکرار گردد، آن اهمیت شکسته می شود و تجدید آن تنها با علنی شدن کیفر متخلفان است. این واقعیت را نیز از نظر نباید دور داشت که بسیاری از مردم برای حیثیت و آبروی خود بیش از مساله تنبهات بدنی اهمیت قائلند، و همین علنی شدن کیفر ترمز نیرومندی بر روی هوس های سرکش آنهاست(مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۳، ۵۱۲). و در حدیثی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: « إنّ المَعصیه اذا عمل بها العبد سراً لم یضر الا عاملها، فاذا عمل بها علانیه و لم یغیر علیه، أضّرت بالعامّه: گناهی که پنهانی انجام شود، تنها به مرتکب آن آسیب می رساند؛ اما هر گاه گناه آشکارا انجام پذیرد و با آن مبارزه نشود به عموم مردم زیان می رساند».(حرعاملی،۱۴۰۱، ۱۸، ۴۰۷).

غزالی نیز معتقد است : معصیت چو پنهان باشد جز صاحب آن را زیان ندارد و چون آشکارا بود اگر آن را تغییر نکنند زیان آن به همه کس برسد(غزالی، ۱۳۶۶، ۴۷۵).

از اینرو در آموزهای اسلامی و احادیث دینی بر بزه پوشی و آشکار نکردن گناه سفارش شده، چرا که آشکار کردن آن موجب از بین رفتن قبح ذاتی آن اعمال شده و موجب تجری مجرمین بر ارتکاب آن اعمال می شود وغزالی نیز بزه پوشی را جایز میداند و ظاهر کردن بزه را موجب تجری مجرمین میداند و میگوید چون اظهار کنند فاسقان بویژه اقتدا کنند و در معصیت کردن دلیر شوند(همان،۵۹۱).زیرا کاهش زشتی جرم وحشتناکترین پدیده ای است که می تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند، به گونه ای که یک عمل ضد ارزشی به یک عمل ارزشمند تبدیل شود یا لااقل از ضد ارزش بودن آن عمل در بین مردم کاسته شود و مردم با آن به تسامح برخورد کند و موجب کوچک و سبک شمردن اعمال زشت شود زیرا انجام دادن گناه یک عمل و آشکار کردن آن عمل دیگری محسوب می شود. طبق روایتی امام علی (ع) فرموده :« ایّاکَ و المجاهرهٔ بالفجور فانّما مِن اَشَدِّ المآثم؛ از آشکار کردن فسق و فجور بپرهیزید که آن از بدترین گناهان است»(حرعاملی، ۱۴۰۱، ۱۸، ۴۰۷).

و در حدیثی از امام صادق(ع) می فرماید: زیرا گناه آشکار مایه خواری دین می شود و سبب می شود تا دشمنان خداوند هم به گناه و فساد روی آورند.(همان).

پس کسی که مرتکب گناهی شود حق ندارد آن را نزد دیگران بازگو کند. چه باز گفتن گناه نزد دیگران- به ویژه اگر به مدد رسانه ها و در سطح گسترده صورت گیرد- مصداق اشاعه فحشا محسوب می شود و خود جرم مستقلی به شمار می رود زیرا طرح گناه به تدریج موجب از بین رفتن قبح آن می شود، عادی جلوه می کند و سبب از بین رفتن حساسیت ها می شود و همین امر به تدریج به افزایش آمار ارتکاب جرم منتهی می شود. به همین دلیل در مورد جرائم جنسی که جنبه ی حق الهی دارند، نه تنها اشاعه آنها منع شده حتی در محاکمه غذایی نیز سعی می شود شخص اعتراف نکند یا افرادی که شاهد ارتکاب جرم بوده اند به سادگی قادر به ادای شهادت نباشند(قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱، ۳۳۳). لکن در صورت علنی شدن جرایم جنسی، دلیلی بر بزه پوشی و عدم اجرای مجازات نمی باشد، باید حد به گونه مقتضی اجرا گردد. هنگامی برای زنا مجازات تعیین و اجرا می شود که علنی و مشهود باشد چرا که با علنی شدن است که قبح آن کاهش یافته و هدف شارع از کاهش این جرم در جامعه تحقق نمی یابد(توجهی و توکلی پور، ۱۳۹۰، ۱۱۳).

پیامبر اکرم (ص) به قدری به پوشیده ماندن جرائم تاکید کرده که آشکار کردن جرم را گناه نابخشودنی می داند و در حدیثی می فرماید :«کلّ امتی معافی الا المجاهدین الذین یعملون العمل باللیل فیستره ربّه ثم یصبح فیقول یافلان انی عملت البارحه کذا وکذا؛ همه امت من بخشیده می شود مگر پرده دران یعنی کسانی که درشب کار خلاف انجام دهند و پروردگارشان آن را پرده پوشی کند اما صبح که می شود می گوید فلانی من دیشب چنین وچنان کردم».(متقی الهندی، ۱۴۱۳، ۳۲۶).

۶. اهداف بزه پوشی

۶-۱. از بین رفتن پرده حیا و قبح ذاتی عمل

از دیدگاه اسلام، هر گونه رفتاری و گفتاری که زمینه ارتکاب جرم را تسهیل کند یا موجب از بین رفتن قبح و زشتی آن گردد، معصیت است و مرتکب آن گناه کار محسوب می گردد(قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱، ۳۳۲). زمانی که گناه آشکارا انجام شود ابهت گناه شکسته می شود و پرده حیا کنار می رود و افراد در انجام گناهان کبیره جسور می شوند به همین دلیل در روایات اسلامی آمده است که گناهان آشکار از گناه پنهان بسیار سنگین تر است همانگونه که در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا(ع) می خوانیم« المُذیعُ بِالسَّیِّئهِ مَخْذولٌ والمُسَتِتُر بِالسَّیِّئهِ مَغفُورٌ لَهُ؛ کسی که گناه خود را آشکار و منتشر می کند گرفتار خذلان می شود و کسی که گناه را بپوشاند عفو خدا شامل او می گردد»(کلینی، ۱۳۸۷، ۲، ۴۲۸).

حتی برای مبارزه با افراد جسور و حرمت شکن و متجاهر به فسق، اجازه غیبت داده شده است. نیز به همین دلیل است که هرگاه گناه آشکار شود و مردم از آن با خبر گردند، دستور داده شده است که حد یا تعزیر آشکارا انجام شود تا ابهت گناه به جای خود برگردد و پرده حیا در سطح عموم پاره نشود(مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۸، ۷۰۲).

افشا گری درباره گناهان اشخاص نیز آنها را جسور کرده و از حیای آنها می کاهد و گاه به جایی می رسد که با زبان حال یا قال می گویند: ما که رسوای جهانیم غم دنبا سهل است و آب که از سر گذشت چه یک قامت چه چند قامت. در حالی که اگر در این گونه موارد تغافل شود، کمک به حفظ حیای آن گناهکار خواهد شد. نیز به همین دلیل در روایات اسلامی تکرار گناه صغیره به منزله گناه کبیره شمرده شده است، زیرا تکرار، سبب کم شدن زشتی گناه و پاره شدن پرده حیا می شود(همان).

۶-۲. پرده پوشی در این دنیا موجب پرده پوشی در آخرت می گردد

در احادیث وارد شده است که هرگاه خدای تعالی سر بنده را در دنیا بپوشاند کرم او از آن بالاتر است که در آخرت ظاهر گرداند و اگر در دنیا پرده از آن براندازد از آن کریمتر است که دوباره در آخرت آنرا ظاهر نماید. و نیز وارد شده است که در روز قیامت بنده را بیاورند که

گریان باشد، خطاب رسد که چرا میگرئی؟ عرض کند، گریه می کنم بر آنچه در این روز عیوب من در نزد آدمیان و فرشتگان ظاهر خواهد شد، خداوند عالم می فرماید که ای بنده من تو را در دنیا رسوا نکردم و حال آنکه تو مشغول معصیت من بودی و میخندیدی؛ چگونه تو را رسوا می کنم و حال آنکه معصیت نمی کنی و گریانی(نراقی، ۱۳۷۵، ۴۱۵).غزالی معتقد است چون در این جهان پوشیده بماند، بشارتی بود که امید آن باشد که اندر آن جهان نیز پوشیده بماند(غزالی، ۱۳۶۶، ۵۹۱).

۶-۳. حفظ آبروی اشخاص و جلوگیری از هتک حیثیت آنان

حفظ آبروی مسلمانان و مومنان، واقعیتی بسیار مهم و به شدت مورد توجه آیین اسلام ا ست. تا جایی که در معارف دینی آبروی مومن با خون اش برابر دانسته شده است[۱]، بردن آبروی انسان به منزله ریختن خون او می باشد با به باد رفتن آبروی مومن و مردم، بنای اعتماد و اطمینان ویران می شود و نظام زندگی خانواده و جامعه در هم فرو می ریزد و امور مسلمانان مختل می شود(انصاری، ۱۳۸۲، ۱۳۸). زیرا حفظ آبرو و اسرار مسلمانان از مسائل مهم اجتماعی و از عوامل اثرگذار بر وحدت جامعه اسلامی است و در آیات قرآنی و احادیث پیامبر اکرم (ص) امامان معصوم(ع) بر آن فراوان تاکید شده است(جوادی آملی،۱۳۹۱، ۴۸۸). کاملان و بی عیب ها فقط انبیا و امامان و اولیای خاص حضرت حقند. جز اینان هر کس دارای عیب و عیوبی است که از دید و نظر مردم پنهان می کنند البته در میان مردم عده ای بی شرم وحیا وجود دارند که از پخش شدن عیب خود ننگ ندارند و آزاری از این ناحیه حس نمی کنند ولی اکثر مردم برای آبروی خود حرمت و ارزش قائل هستند و رضایت به بازگو شدن این عیب یا عیوبشان ندارند(انصاری، ۱۳۸۲، ۱۳۸). محمد بن فضیل از امام موسی کاظم (ع) نقل کرده:که به حضور امام (ع) عرض کردم، خبری از مردی از برادرانم(از شیعیان) به من رسیده که خوشایندم نیست، از خود او می پرسم منکر می شود با این که ناقلین خبر اشخاص مورد اعتمادی هستند. حضرت فرمود:ای محمد گوش و چشمت را در مورد برادرت تکذیب کن، اگر چه پنجاه نفر پیش تو گواهی داده باشند. اگر او گفت من نگفته ام او را تصدیق و آن پنجاه نفر را تکذیب کن و چیزی را علیه اوشایع نکن تا آبروی او را لکه دار ساخته و شخصیت او را خراب کنی و جزء اشخاصی باشی که خداوند عزوجل در مورد آنها فرموده: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا...».(سوره نور آیه ۱۹) (نیلی پور،۱۳۹۱، ۲، ۵۵۲).

صاحب جواهر معتقد است حکمت ثبوت زنا با چهار گواه این است که شارع می خواهد تا آنجا که ممکن است، اینگونه کارها مستور و پوشیده باشد و افراد به آسانی هتک نشوند(نجفی، ۱۳۶۵، ۴۱، ۱۵۵). برای حفظ آبرو و شرف دیگران، اسلام برای اثبات زنا، چهار شاهد مقرر کرده است، و حتی اگر سه شاهد گواهی دهند، هر سه شلاق می خورند، ولی برای اثبات قتل، دو شاهد کافی است(قرائتی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۵۶).

۶-۴. حفظ بازدارندگی عمومی

زیرا هرگاه کیفری به دفعات و درباره افراد زیادی اجرا شود وصف بازدارندگی عمومی خود را از دست می دهد، مثلی کهن می گوید: «عزای عمومی، جشن همگانی است» اگر نظام حاکم بر ادله اثبات جرائم جنسی مستوجب حد به گونه ای طراحی شود که این جرائم به آسانی اثبات و مجازات ها اجرا شوند دیگر این کیفرها نه آنقدر خوار کننده اند و نه چندان بازدارنده(نوربها، ۱۳۸۹، ۱۶۸). اجرای حد تازیانه به طور علنی بر زنی مستور که مرتکب زنا شده، نه تنها باعث بازدارندگی و اصلاح وی نمی شود بلکه باعث شناخته شدن او می گردد و وی را در معرض تعرض افراد شرور قرار می دهد(همان، ۲۹۹).سزار بکاریا معتقد است: هدف مجازات به هیچ وجه آزار رساندن و رنجاندن بزهکار نیست، بلکه نخست بازداشتن او از زیان رساندن دوباره به دیگران است و در خلال آن بازگردانیدن دیگران از راهی است که تازه در آن گام نهاده اند. بنابراین کیفر باید به شیوه ای به کار بسته شود که با رعایت تناسب، مؤثرترین و پایدارترین اثر را در ذهن اشخاص و کمترین اثر درد را بر جسم بزهکار بر جای گذارد(بکاریا، ۱۳۸۵، ۳۶).

---

[۱] عِرضُ المُومِنُ کَدَمِه.

نتیجه گیری

سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرایم جنسی که باعرض و آبرو و شرافت انسان ارتباط دارد مقداری متفاوت با سایر جرایم می باشد. به همین علت شارع مقدس اسلام حساسیت بیشتری نسبت به آشکار شدن و علنی نمودن آن نشان داده که بیانگر توجه اسلام به ارزش های اخلاقی و مصالحی اجتماعی می باشد، اتخاذ روش بزه پوشی در جرایم جنسی سیاستی است که مشروعیت آن مورد تایید آیات و روایات اسلامی می باشد. . بر این اساس تلاش می شود جرایم و گناهان مردم به ویژه گناهان جنسی آنها مخفی بماند و در طریق اثبات آن بر خلاف سایر جرایم سخت گیری های متعددی مانند تعداد شهود، کیفیت ادای شهادت و دفعات اقرار، اعمال شده است. این بدان معناست که شارع مقدس اسلام تمایلی به اثبات این جرایم ندارد و بر پوشیده ماندن آنها اصرار دارد و تحقیق و تفحص در جرایم جنسی را که یک امر پنهانی و مستور می باشد ممنوع می دارد. البته لازم به ذکر است که پوشیده و مخفی داشتن جرم که مبتنی بر گرایش کیفر زدایی است تنها در جرایم حق الهی قابل اعمال است و در جرایمی که مستلزم تضییع حقوق بزه دیده باشد جایز نمی باشد حتی در صورت وجود داشتن شاکی خصوص قضات برای احقاق حق بزه دیده مجاز به تحقیق در جرایم جنسی می باشند و توجه به تفکیک حق الله و حق الناس در جرایم جنسی برای جلوگیری از ایراد ضرر به حقوق بزه دیده می باشد و مطلوبیت بزه پوشی تنها در جرایم حق الهی است و در جرایم علنی و آشکار، تاکید نشده و در صورت آشکار شدن، بر مخفی و پوشیده نگه داشتن آن فایده ای مترتب نمی شود، برخورد مناسب دستگاه کیفری را می طلبد.

در نتیجه سیاست نهان سازی و مخفی داشتن جرم در جرایمی است که خود مجرم سعی در مخفی نگه داشتن جرم داشته باشد. بنابراین در جرایم علنی و جرایمی که مستلزم تضییع حقوق بزه دیده باشد قابل اجرا نمی باشد.

منابع

قرآن
نهج البلاغه

۱. آشوری، محمد(۱۳۸۵) آیین دادرسی کیفری، جلد۱۰، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۲. آشتیانی، احمد؛ اندرزها؛ چ۲؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات؛ ۱۳۸۷.
۳. آمدی، العبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ج۱، چ۱؛ بیروت، اعلمی، ۱۴۰۷ق.
۴. آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ۳؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۵. اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان؛ ج۱۳، چ۳؛ قم، موسسه النشرالاسلامی؛ ۱۴۲۱ق.
۶. انصاری، حسین؛ شرح دعای کمیل؛ چ۲؛ انتشارات نیایش؛ ۱۳۸۲.
۷. بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازات ها؛ ترجمه محمد علی اردبیلی؛ چ۵؛ نشرمیزان، ۱۳۸۵.
۸. البحرانی، الیوسف؛ الحدائق الناظره فی احکام العترت الطاهره؛ چ۲؛ قم؛ جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
۹. توجهی، عبدالعلی؛ و توکل پور، محمدهادی؛ وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تاکید بر شیوه اثبات؛ پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم؛ شماره ۲، ۱۳۹۰.
۱۰. الترمزی، محمدبن عیسی؛ سنن؛ ج۲، بیروت؛ داراحیاء تراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۱۱. التمیمی، النعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام؛ ج۲، چ۳؛ مصر؛ دارالمعارف، بی تا.
۱۲. التوحیدی، محمد علی؛ مصباح الفقاهه فی المعاملات؛ ج۱، چ۳؛ قم؛ موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۱۳. تبریزی، جواد بن علی؛ أسس الحدود و التعزیرات؛ چ۱؛ در یک جلد، قم؛ دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ق.
۱۴. پیناتل، ژان؛ کیفرهای جانشین؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ فصلنامه حق، دفتر۵، ۱۳۶۵. به نقل از صادقی، محمدهادی؛ بزه پوشی؛ مجله حقوقی دادگستری.
۱۵. الجبعی العاملی، شهید ثانی، زید الدین بن علی؛ الروضه البهیه؛ ج۳، چ۱؛ انتشارات واریان، ۱۳۸۰.
۱۶. _____؛ مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام؛ چ۱؛ قم؛ مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله؛ مفاتیح الحیات؛ چ۳۲؛ مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱.
۱۸. الجوزی، ابن قیم؛ الطرق الحکمیه فی السیاسه الشرعیه؛ چ۲؛ جده؛ دارالمدنی، ۱۹۸۵م.
۱۹. الحر العاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج۱۸، چ۶؛ تهران؛ مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۲۰. حلّی، یحیی بن سعید؛ الجامع للشرائع؛ در یک جلد، چ۱؛ قم؛ مؤسسة سید الشهداء العلمیة۱۴۰۵ ق.
۲۱. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف؛ إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد؛ چ۱؛ قم؛ مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
۲۲. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة؛ج۶، چ۱؛ قم؛ مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. حسینی روحانی، سیدصادق؛ فقه الصادق علیه السلام (للروحانی)؛ ج۲۶، چ۱؛ قم؛ دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ق.
۲۴. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ چ۱؛ سمت، ۱۳۸۳.
۲۵. خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری؛ چ۲؛ نشر شهر دانش؛ ۱۳۸۸.
۲۶. خاوری، یعقوب؛ واژه نامه تفصیلی فقه جزا؛ چ۲؛ انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹.

۲۷. خمینی، سید روح اللّه موسوی؛ تحریر الوسیلة؛ ترجمه اسلامی، علی،ج۴، چ۲۱؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۵ ق.

۲۸. خویی موسوی، سید ابو القاسم؛ مبانی تکملة المنهاج، ج۲، چ۱؛ قم؛ مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی ، ۱۴۲۲ق.

۲۹. دلماس مارتی، می ری؛ نظام های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ج۱، چ۱؛ نشر میزان، ۱۳۸۱.

۳۰. رهامی، محسن؛ جرایم بدون بزه دیده؛ چ۱؛ نشر میزان، ۱۳۸۷.

۳۱. الزحیلی، وهبه؛ الفقه الاسلامی و ادلته؛ ج۶، چ۳؛ دمشق؛ دار الفکر، ۱۴۱۱ق.

۳۲. زراعت، عباس؛ و مهاجری، علی؛ شرح قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج۱، چ۱؛ نشر فیض، ۱۳۷۸.

۳۳. ساریخانی، عادل؛ حقوق جزای عمومی اسلام؛ چ۶؛ تهران؛ دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹.

۳۴. شیری، عباس؛ سقوط مجازات ها در حقوق کیفری اسلام وایران؛ چ۱؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.

۳۵. صادقی، محمد هادی؛ بزه پوشی، مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۲۸و ۲۹، ۱۳۷۸.

۳۶. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمدباقرموسوی همدانی؛ ج۲۹، چ۳؛ انتشارات محمدی، ۱۳۶۳.

۳۷. الطباطبایی الحکیم، سیدمحسن، مستمسک العروة الوثقی؛ ج۱۴، بیروت؛ داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۳۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن؛ الخلاف؛ج۶، چ۱؛قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ ق.

۳۹. _____المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج۵، چ۳؛تهران؛ المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۴۲۸ ق.

۴۰. العبدالسلام، محمدالشریف؛ المبادی الشرعیه فی احکام العقوبات فی فقه الاسلامی؛ چ۳؛ بیروت؛ دارالتراث الاسلامی، ۱۴۰۶ق.

۴۱. غزالی، محمد؛ احیاء علوم الدین ربع عادات؛ ترجمه مؤیدالدین خوارزمی؛ چ۲؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

۴۲. _____؛ کیمیای سعادت، ج۲، چ۳؛ انتشارات گنجینه، ۱۳۷۲.

۴۳. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی؛ کشف اللثام؛ ج۱۰، چ۱؛ قم؛ موسسه نشراسلامی، ۱۴۲۴ق.

۴۴. فیض، علی رضا؛ مقارنه و تطبیق حقوق جزای عمومی اسلامی؛ چ۴؛ سازمان انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.

۴۵. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج۷، چ۱۶؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.

۴۶. قیاسی، جلال الدین؛ و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ ج۱، چ۳؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.

۴۷. کوشا، جعفر؛ سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی؛ تازه های علوم جنایی، مجموعه مقالات، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، ۱۳۸۸.

۴۸. الکلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ ج۲، چ۶؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.

۴۹. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا؛ المنضود فی أحکام الحدود؛ ج۳، چ۱؛ قم؛ دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.

۵۰. محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه؛ بخش جزایی، چ۱۷؛ تهران؛ مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۹.

۵۱. مکارم شیراز، ناصر؛ شرحی تازه و جامعی بر نهج البلاغه؛ ج۱۳، چ۳؛ انتشارات امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۲.

۵۲. _____؛ تفسیر نمونه؛ ج۱۷، چ۳؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.

۵۳. _____أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات (لمکارم)؛ چ۱؛ قم؛ انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.

۵۴. المجلسی، المحمدباقر؛ بحارالانوار؛ ج۷۵و۳۸، چ۲؛ بیروت؛ موسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.

۵۵. _____؛ حدود و قصاص و دیات؛ در یک جلد، تهران؛ چ۱؛ مؤسسه نشر آثار اسلامی، ۱۴۱۰ق. مجلسی، محمد تقی؛ یک دوره فقه کامل فارسی؛ در یک جلد، تهران؛ چ۱؛ مؤسسه و انتشارات فراهانی، ۱۴۰۰ق.

۵۶. المتقی الهندی، علی بن حسام؛ کنزالعمال فی سنن الاقوال و افعال؛ چ۴؛ موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۵۷. مغنیه، محمد جواد؛ فقه الإمام الصادق علیه السلام؛ ج۶، چ۲؛ قم؛ مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ ق.
۵۸. منتظری، حسین علی؛ کتاب الحدود؛چ۱؛ قم؛ انتشارات دار الفکر، بی تا.
۵۹. میر محمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص؛ چ۴؛ نشر میزان، ۱۳۸۸.
۶۰. النجفی، محمدبن حسن؛ جواهر الکلام؛ ج۴۱، چ۶؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۱. نوربها، رحیم؛ اهداف مجازات ها در جرائم جنسی؛ چ۱؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۶۲. النوری، میرزا حسیین؛ مستدرک الوسائل؛ ج۸، چ۱؛ قم، موسسه آل البیت؛ ۱۴۰۸ق.
۶۳. نراقی، احمد؛ معراج السعاده؛ چ۲؛ نشر هما، ۱۳۷۵.
۶۴. نیلی پور، مهدی؛بهشت اخلاق؛ ج۲، چ۴؛ قم: انتشارات موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج) ۱۳۸۷.